

قام — وس — صدا

مرور و مطالعه متون و کتب قدیمی موسیقی ناقرون وسطی بخوبی نشان می-دهد که در تمام اعصار برای هنر آواز و صدای زنان و مردان و کودکان دو نوع مختلف وجود داشته که کاملاً از یکدیگر مشخص و متمایز بوده است .
دو نوع آواز مذکور عبارت از صداهای بم و زیر است که تقسیم بندی نامبرده ناقرون وسطی ادامه داشته و موسیقی شناسان در کتب خویش از آن یاد کرده اند .
ولی در قرن هیجدهم تحول تازه ای در تقسیم بندی آواها بوجود آمد و صدای متوسط و میانه نیز در آن جدول جای گرفت . اما تغییرات و ابداعات هنرمندان در قرن نوزدهم از همه جالب تر است . در این قرن قدرت درک و ذوق مردم بالا رفت و عملاً نتایج ارزنده ای بیار آورد .

آهنگسازان هنرمندی که در آثارهای غنائی و اوپرا کار میکردند ، با علم و درک شایسته ای تقسیم بندی و حدود آواها را شکافتند و ضمن درجه بندی دقیق آوازها برای هر یک آهنگهای مناسبی نوشتند .

و بالاخره برای صدای مردان سه حد دقیق پیدا کردند باین ترتیب : باس ، باریتون و تنور ، همچنین برای صدای زنان نیز سه حد و نوع قابل شدند کنترا آلتو ، متزو (Mezzo) و سوپرانو .

ولی پس از آنکه مدتی گذشت ، باز هم آهنگسازان آثارهای غنائی احساس کردند که تقسیم بندی صداها هنوز تکامل نیافته و احتیاج به ترتیب و تنظیم تازه ای دارد .

هین آهنگسازان بودند که انواع مخصوص و جدیدی از آوازه‌ها را خلق و ابداع کردند و بسبب خدمات آنان و مکاشفه انواع صداهای جدید نام آنها - به‌همراه صداهای باقی مانده است مثل صدای باریتون وردی و از این قبیل.

در این عصر که باید آنرا عصر طلایی آوازه‌ها نامید، در نیویورک، میلان و پاریس اوپراها رونق گرفت، در همین ایام است که اوپرای پاریس ضمن قرار داد های منقده با خوانندگان مشخصات آنها را همراه انواع صدایشان بصراحت ذکر میکرد، مثلاً برای خواننده تنور مینوشت: «خواننده تنور برای اجرای نقشهای سبک و رقیق، غنائی و دراماتیک» حال بد نیست باتفاق نظری بمطالعات دکتر گارد بیفکنیم که نتایج آنرا نیز ناشر کتب «چه میدانم» چاپ کرده‌است، نامبرده در کتاب مذکور مینویسد: «طبقات و انواع آوازه‌ها بطور تصنعی پیدا شده است و مولود توسعه تاریخی مکاتب و تأثرهای غنائی میباشد که ضمن سلسله تغییرات در ذوق زیبایی شناسی مردم بوجود آمده‌است، مخصوصاً آهنگهایی که چند آهنگساز معین نوشته‌اند، در راه ایجاد و خلق آوازه‌های متعدد نقش مهمی داشته است. همانطور که این عوامل طبقات خاصی از آوازه‌ها را بوجود آورد، سبب هدم و نابودی بعضی آوازه‌ها نیز شد و این مطلب مؤید ادعای ماست.

در این مورد میتوان آواز کاستراتس^۱ را در ایتالیا تا حدود قرن نوزدهم، فالستو^۲ را در اسپانیا در قرن شانزدهم و بالاخره ویراژین^۳ را در آلمان نامبرد.

بهر حال چه عقاید دکتر گارد را بپذیریم چه آنرا مردود بدانیم، امروز فن آواز در جهان دوران طلایی و پرافتخار خود را میکدراند و صفحات خوانندگان اوپرا مانند طلا نگاهداری میشود. تقسیمات آوازه‌ها بشرحیست که ذیلا خواهد آمد:

انواع صدای زنان

سه نوع مشخص اصلی آواز برای زنان وجود دارد که هر کدام از آنها نیز متفرعات و تقسیمات جزئی را داراست ولی از حدود تقسیم بندی سه گانه خارج نمیشود، سه نوع آواز اصلی زنان عبارتست از آواز بم و سنگین (Grave)، آواز نازک و زیر (Aigüe) و بالاخره آواز متوسط (آوازه‌های متعارف و سوپرانسی (Intermédiaire)).

آوازه‌های بم و سنگین:

صدای کنتراآلتو بیشک سنگین‌ترین و بم‌ترین آوازه‌های زنانست، نقشهای مهمی که در اوپراهای بزرگ با صدای کنتراآلتو باید اجرا شود عبارتست از نقش «اورفه»

Falsetti - ۲ Castrats - ۱

Viragines - ۳

دراو برای اورفه، نقش « لوکرس بورژیا » دراو برای لوکرس بورژیا و نقش دلیله دراو برای دلیله.

بنظر میرسد که صدای کنتراآلتوی زنان بزودی از بین خواهد رفت و مانند بسیاری از آواها که خوانندگان مخصوص بخود نداشت فراموش خواهد شد.

خوانندگان معروف کنتراآلتو بترتیب زندگانی عبارتند از: «آلبونی» که صدایش را بمترین صداهای کنتراآلتو میدانند سپس «ماکس دولون» بعد «کیری لون»، «شوماننیک» و بالاخره «کلاداپوت». در حال حاضر عالیترین خواننده کنتراآلتو زنان «دنیس شرلی» است.

بهین جهت نامبرده واقعا حق داشته که مسئولین او برای پاریس را مواخذه کند که چرا دراو برای جدید اورفه، نقش اورفه را باو نسپردند، زیرا وی تنها خواننده هنرمند کنتراآلتو در سراسر جهانست.

آواز هر قدر نازک و ظریف، نرم و انعطاف پذیر و کاملا «زیر» باشد و در همان حال وسعت و قدرت داشته باشد، آواز «متزو سوپرانو» نامدار، اینگونه آواز کاملا مناسب برای او برای «کارمن» و او برای «دورت» است. خاصیت انعطاف پذیر و شوق آوری که آواهای «متزو سوپرانو» دارد، شایستگی و بایستگی خوانندگان را برای شرکت و اجرای آثار «روسینی» قطعی میسازد. آثار روسینی مانند «ستراتولا» و «آرابشکر شهر سوئل» کاملا درخور آواهای متزو سوپرانوست.

بزرگترین خوانندگان «متزو سوپرانو» که نام درخشانی در تاریخ آواز دارند عبارتند از:

«اما کالوه»، «کنچینا سوپروبا»، «ماری دلنا»، «لوسین آندوران» و «اب استی نیانی».

خوانندگان متزو سوپرانو که حیات دارند در عالم آواز برجسته ترین نامها را بخود اختصاص داده اند «سی میوتانو» در ایتالیا و «سولانو میشل» در فرانسه هستند.

خوانندگان سوپرانو:

بیشک شهرت و هنرمندی «کلاسی» و «تبالدی» سبب شده که تمام جهانیان این دورا خواننده و هنرمندی توانا بشناسند. این دو خواننده بسبب صدای ممتاز و عالی سوپرانومی که دارند، منحصر بفرد هستند.

ولی در اصل صدای سوپرانو بچندین نوع قسمت میشود که یکی از مشتقات آن « سوپرانو دراماتیک » است. در وصف آواز « سوپرانو دراماتیک » باید بگوئیم که این نوع آواز بنوبه خویش دارای وسعت و کشش و جذابیت فوق العاده است و قدرت صدا طوریست که میتواند در تمام پرده‌های آواز وارد شود و در همان حال طنطنه و ظرافت خاصی را نیز حائز مییابد، بسبب انعطاف پذیری این آواز که گاه کم کم بلند و سنگین میشود، بسیاری از آهنگسازان از آن استفاده کرده‌اند در بعض آثار « وودی » و در چند اثر از واگنر (نقش‌های «الس» ، «زیگ‌لیند» ، «الیزابت» و «سنتا») از این نوع صدا استفاده کامل بعمل آمده است.

خوانندگان مشهوری از قبیل «کلودیا موزیو» و «ژرمن لوبین» صدای سوپرانو داشته‌اند، در حال حاضر نیز «بریزیت تیلسون» ، «لئونی ریزانک» ، «رژین کرین» ، «سوزان ساروگا» ، «برت مونمار» و «ژاکلین لوزو» تقریباً در تمام جهان مشهور میباشند.

دیگر از انواع آواز سوپرانو، «سوپرانو لیریک» نامدار که از لحاظ مشخصات از سوپرانو دراماتیک چندان متفاوت نیست ولی هرگز وسعت و کشش آنرا ندارد، در این نوع آواز میتوان نام «رناتا تبالدی» را ذکر کرد، نامبرده در این فن صدای مشخص و ممتازی دارد. قبل از او خوانندگانی نظیر «بل‌هلن» ، «ژوری بوه» در این رشته از آواز هنرنمایی کرده‌اند.

نقش‌های مخصوص و شایسته برای آواز «سوپرانو لیریک» عبارتست از : «لابوهم» از بوچینی «دزدمون» ، «مارگریت» (فوست) و «ژولیت».

هنگامیکه این نوع آواز مختص به بخش زیر و ظریف آن میشود، آواز «لیریکو اسپینتو» نامدار. در این طبقه از آواز نیز خوانندگانی نظیر «ژان سکالا» و «کلبیا مازونی» پیدا شدند و توانستند نقشهای مخصوص بخود را در او برهای «توسکا» ، «مادام باترفلای» و «آیدا» بازی کنند.

صداهای ظریف و سبک : جامع علوم انسانی

صدای سوپرانوی ظریف و نازک در حقیقت بخشهای فوقانی آواز است. خواننده «سوپرانو لژر» (سوپرانوی سبک) چابکی و وضوح خاصی در آوازش دارد که در حدود زیر و ظریفی است اما آنقدر قدرت آواز دارد که میتواند یکباره بقسمتهای بم و متوسط آواز گریز بزند. «آندره آکیو» و مخصوصاً «رنه دوریا» از این طبقه‌اند و بخوبی قادرند آوازهای «میری» یا «مانون» را بخوانند. وقتیکه اینگونه آوازه‌ها بسیار زیر و ظریف است و بحدود «کنترسول»

میرسد، در اصطلاح امروزی هنر آواز « کولوراتورا » نامیده میشود. « مارو روبن » فقید بهترین و عالیترین خواننده از این طبقه بود که در « لاکه » و « ملکه شهبان » هنرنمایی بسیار کرد. « کالی-کورچی » و « لیلی پونز » نیز در همین حدود قرار دارند.

بالاخره متخصصان آواز و هنرمندان این فن رشته‌ها و شقوق دیگری را پیدا کرده‌اند که مهمترین آنها « دوکازون » نامدارد که میتوان آنرا یک آواز مترو-سوبرانوی خفیف دانست. جزء طبقه اخیر از آواز و آوازخوانها میتوان از « دامه سابران »، « ژان بریبه » و « ژان رودز » نام برد. شق دیگری که متخصصان کشف کرده‌اند « فالکن » نامدارد که نوعی « سوبرانو دراماتیک » محسوب میشود و خوانندگان مشهوری نظیر « ژان دینلا » و « ریتا کور » جزء خوانندگان « فالکن » بشمار میروند.

نقشهایی در « هوکنو » با « زن کلیسی » کاملاً اختصاص بخوانندگان فالکن دارد.

ترجمه حسین لعل



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز مطالعات و پژوهش‌ها
مركز مطالعات و پژوهش‌ها